

اهل بیت (علیهم السلام) در آیه تطهیر

اسماعیل تاج بخش

چکیده

آیه ۳۳ سوره احزاب به «آیه تطهیر» معروف است. خداوند سبحان در این آیه، اهل بیت را از هر گونه پلیدی و پلشتی و ناپاکی مصون معرفی فرموده است. مصداق‌های دقیق اهل بیت کیانند؟! همه دانشمندان شیعه و گروهی از علمای اهل سنت این آیه را درباره اصحاب کساء می‌دانند و برخی دیگر از آنان، زنان پیامبر (ص) را نیز از مصداق آن گمان می‌کنند. اما اینکه کدام گروه در رأی و اعتقاد خود بر راه صواب هستند و کدام گروه بر طریق خطا می‌روند؟! در این مقاله پاسخ این پرسش با ادله عقلی، نقلی و ذکر دقیق منابع در حد امکان ذکر شده است.

واژگان کلیدی: قرآن، آیه تطهیر، اهل بیت (ع)، تفسیر، زنان پیامبر، خمسه طیبه

مقدمه

خداوند سبحان در قرآن کریم می‌فرماید:

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (الأحزاب/۳۳)؛

و [ای همسران پیامبر] در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و خدا و رسول او را اطاعت کنید؛ خداوند فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند (فولادوند، بی‌تا: ۴۲۲). این آیه به «آیه تطهیر» معروف است. به موجب این آیه، خداوند بزرگ اراده فرمود که اهل بیت (ع) را از هر گونه پلیدی و آلودگی پاکیزه گرداند.

اما مصداق‌های دقیق «اهل بیت» چه کسانی هستند؟ آیا حق با کسانی است که مصداق درست و دقیق آن را «خمسه طیبه» می‌دانند؟ دلیل‌ها و براهین آنان چیست؟ یا حق به دست کسانی است که علاوه بر اهل بیت عصمت و طهارت، زنان پیامبر (ص) را نیز از مصداق آن به شمار می‌آورند؟ یا کسانی که فقط زنان پیامبر را مصداق درست آن می‌دانند، بر حق هستند؟ برای تعیین دقیق آن‌ها و رهایی از هر گونه تردید ذهن و ضمیر بررسی‌هایی در این زمینه صورت گرفته که در چند بخش ذیل ذکر می‌شود.

۱- معنی لغوی اهل بیت

لغت‌پژوهان اتفاق نظر دارند که «آل» و «اهل» دو کلمه مترادف و صورت‌هایی از یکدیگرند؛ مثلاً ابن منظور مصری می‌گوید: «... «آل» به معنی اهل است و «آل الله» و «آل رسول» اولیا و دوستان آن‌ها هستند. اصل آن «اهل» بوده که با تبدیل هاء به حمزه به صورت «آل» درآمده است و پیاپی آمدن حمزه‌ها باعث شده که حمزه دوم به الف تبدیل شود...» (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱: ۲۹).

این کلمه در ادب عربی از اسماء دائم‌الإضافة است و هنگامی که به اسم دیگری اضافه می‌شود، پیوستگی و وابستگی ویژه‌ای را می‌رساند؛ مثلاً «اهل الرَّجُل» به نزدیکان و اطرافیان مخصوص آدمی و «اهل الغابه» به جنگل نشینان اطلاق می‌شود و اگر موارد

کاربرد آن در زبان و ادب عربی بررسی شود، در اطلاق آن به خانواده (= زن و فرزندان) و افرادی که پیوند ویژه و بسیار نزدیکی با آنان دارند، تردیدی نخواهد بود. برخی از لغت‌پژوهان بزرگ به این مسأله تصریح و تأکید کرده‌اند:

۱- «اهل البیت» ساکنان خانه هستند و «اهل الرجل»، ویژگیان [و وابستگان] او و «اهل بیت النبی» زنان و دختران و داماد یعنی علی (ع) است. برخی گفته‌اند: زنان پیامبر و مردان [دیگری] نیز از اهل بیت به شمار می‌آیند...» (همان).

اگر در توضیح و تبیین این لغت پژوه دقت شود، دقت و ژرف نگری او در بیان مطلب درخور توجه است که اطلاق «اهل بیت» به زنان پیامبر را با عبارت «برخی گفته‌اند» (= قیل)، آن هم در پایان توضیح خود می‌آورد!

۲- راغب اصفهانی می‌گوید: «...اهل الرجل» یعنی افرادی که با او در نژاد یا دین یا ... پیوندی داشته باشند و در اصل به کسانی اطلاق می‌شود که با او در یک خانه زندگی کنند، سپس مجازاً به کسانی که پیوند نژادی واحدی دارند، اطلاق شده است. بعدها این واژه بر اهل بیت پیامبر (ص) اطلاق شده، چنان که آیه تطهیر به آن اشاره دارد. گاهی نیز مراد از «اهل الرجل»، زن و همسر آدمی است و «اهل الاسلام» یعنی کسانی که تحت لوای اسلام گرد آمده‌اند...» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۱: ۲۹).

توضیح و تبیین لغت پژوهان در گزارش مفهوم «اهل بیت» تردیدی باقی نمی‌گذارد که اهل بیت پیوندی استوار و ناگسستنی با خانه دارد و «اهل» (= خانواده) هرکس قطعاً پیوند نسبی یا سببی استواری با او دارد.

۲- «اهل بیت» در آیه تطهیر

مفسران در مصداق‌های «اهل بیت» در آیه شریفه اختلاف نظر دارند:

۱- همه مفسران شیعه (به عنوان نمونه: طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۶: ۴۸۴؛ الطبرسی، ۱۳۸۲ق، ج ۷: ۵۵۹ و ۵۶۰ و نیز، ج ۸: ۳۵۷؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۱۷: ۳۲۶-۳۱۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۳۲۷ و ۳۲۸) و گروهی از مفسران اهل سنت (مانند ابوحنیفه اندلسی، ر.ک: بیات، ۱۳۹۰: ۵۵) «اهل بیت» را در آیه شریفه به اصحاب کساء تفسیر کرده‌اند.

۲- برخی از مفسران اهل سنت این آیه را شامل اصحاب کساء و زنان پیامبر (ص) دانسته‌اند (ر.ک: فخر رازی، ۱۹۸۵ق، ج ۹: ۱۶۸؛ آلوسی، بی‌تا، ج ۱۳: ۲۲؛ قرطبی، بی‌تا، ج ۱۴: ۱۸۲؛ سیوطی، ۱۴۰۲ق، ج ۶: ۶۲ و ۶۰۳؛ الماتریدی، ۱۴۲۵ق، ج ۴: ۱۱۶ و ۱۱۷؛ زمخشری، بی‌تا، ج ۳: ۵۴۶) که همه مفسران شیعه و برخی از مفسران اهل سنت این نظر را مورد نقد قرار داده‌اند و بر نادرستی آن برهان آورده‌اند (ر.ک: طوسی، بی‌تا، ج ۸: ۳۴۱-۳۴۰؛ ابوحنیفه اندلسی، ر.ک: بیات، ۱۳۹۰: ۵۵، ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۳۲۷ و طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۶: ۳۱۰).

۳- برخی کوشیده‌اند «اهل بیت» را فقط بر زنان پیامبر تطبیق دهند و برخی دیگر آن را در شأن همه خویشان رسول خدا دانسته‌اند. ابن عربی نظری عجیب در این مورد دارد. او میان «آل» و «اهل» تفاوت قائل است: «به باور وی آل بیت مؤمنان راستین هستند و از کمالات ویژه برخوردارند و اگر آن ویژگی‌ها و کمالات در برخی از اهل بیت موجود باشد، او نیز از آل بیت است و إلا فلا.» (بیات، ۱۳۹۰: ۳۶ به نقل از فتوحات مکیه ابن عربی). البته این یک تحریف معنوی است و بر پایه تحریف او از لفظ و معنی حدیث ثقلین صورت گرفته است (ر.ک: همان: ۵۳).

۴- برخی بسیار کوشیده‌اند که آن را فقط بر زنان پیامبر تطبیق دهند که به عنوان نمونه بخاری و ابن ابی‌حاتم و ابن عساکر و ابن مردویه از آنانند.

۵- برخی از اهل سنت نیز آیه تطهیر را در شأن همه خویشان رسول خدا (ص) اعم از زنان و خویشاوندان و فرزندان او یعنی همه بنی‌هاشم و فرزندان عبدالمطلب، دانسته‌اند (ر.ک: اشعری، بی‌تا: ۹).

با توجه به این نظرهای گوناگون، با اندکی دقت معلوم می‌شود که لفظ «اهل بیت» در این آیه مبارکه با اینکه قابلیت شمول آن قابل انکار نیست، برای تعیین دقیق مراد کافی نیست و قراین و نشانه‌های دیگری لازم است که آشکارا و بی هیچ ابهامی بر مصداق‌های اصلی آن در آیه دلالت کند. این قراین عبارت هستند از:

۱-۲ قرینه نخست: عهده بودن «ال» در «اهل البیت»

«ال» (الف و لام) اهل البیت در این آیه چه معنایی دارد؟ آیا مفید جنس است یا استغراق یا عهد؟ «ال» جنس مفید طبیعت و سرشت مدخول است؛ مانند «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ» (العصر/۲) و معلوم است که در آیه، طبیعت و سرشت «بیت» (= خانه) منظور نیست. «ال» (الف و لام) استغراق هم بیانگر عمومیت و فراگیری مدخول است؛ مانند: «...جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ...» (التوبه/۷۳) و اگر به معنی استغراق باشد، شامل همه خانه‌ها در جهان خواهد شد و اگر چنین بود، لفظاً و ظاهراً نیز باید به صورت «بیوت العالم» یا دست کم «بیوت النبی» بیان می‌شد؛ همان‌گونه که در آغاز آیه به صورت «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» آمده، چون مراد از آن‌ها همه زنان پیامبر (ص) در همه اطاق‌هاست. اگر در آیاتی که درباره زنان پیامبر نازل شده است و نیز بسامد واژه «بیت» در قرآن دقت شود، معلوم می‌شود که خانه مسکونی به صیغه جمع مونث آمده است و خانه نبوت و رسالت به صورت مفرد و مَحَلِّی به «ال» به کار رفته است.

با توجه به توضیحات یاد شده، ناگزیر باید پذیرفت که «ال» (الف و لام) در آیه مفید عهد ذکری یا ذهنی یا حضوری است؛ یعنی «آن خانه [و خاندان] معهود و مذکور و معلوم و حاضر میان متکلم و مخاطب. حال پرسش این است که این خانه از آن کیست و ساکنان آن کیانند؟ آیا مراد از آن خانه‌هایی است که همسران پیامبر (ص) در آن زندگی می‌کردند؟ یا خانه‌ای است که فاطمه زهرا (ع) و همسرش علی (ع) و فرزندان در آن سکنی گزیده بودند؟

روشن است که احتمال نخستین را نمی‌توان پذیرفت؛ زیرا در آیه شریفه «البیت» مفرد است و زنان پیامبر (ص) هر یک خانه (= اطاق) جداگانه داشته‌اند و اگر یکی از اطاق‌ها مصداق آیه باشد، آیه شریفه درباره یکی از زنان او صادق خواهد بود که البته هیچ خرد سالم‌اندیش و دور از هوی این را نمی‌پذیرد و چاره‌ای جز این نیست که «البیت» در این آیه بر خانه خاص معهودی حمل شود که جز خانه حضرت زهرا (س) نخواهد بود.

ممکن است کسی بگوید «البیت» در آیه با این که مطلق آمده است مانند آیه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ...» و نظایر آن مجازاً تخصیص معنایی یافته است و به معنی «بیوت النبوه» و «بیت الوحی» آمده است. اگر این معنی را بپذیریم، باید توجه کنیم که وابستگان (= اهل) چنین خانه‌ای باید شایستگی و پیوند کامل و تمامی با آن داشته باشند و صرف دارا بودن پیوستگی حسب و نسب برای آن کافی نیست. زمخشری این نکته را نیک دریافته است و در تفسیر آیه «قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ» (هود/۷۳) «[فرشتگان] گفتند: آیا از فرمان خداوند و رحمت و برکات او بر شما اهل بیت شگفت زده می‌شوید؟» می‌گوید: «[علت نزول برکات الهی بر او (= ساره، همسر حضرت ابراهیم که از بشارت فرشته وحی درباره بچه‌دار شدن خویش در شگفت است)، این است که] او در خانه [نزول] آیات و معجزات سکنی گرفته است و نباید خود را با زنان دیگر مقایسه کرده، در طلب زینت و زیور این جهانی باشند. در حقیقت، فرشتگان خاطرنشان می‌کنند که به جای تعجب، به اکرام و عنایت خداوندی و نعمتی که به او ارزانی داشته، توجه کند» (زمخشری، بی‌تا، ج ۲: ۱۰۷).

۲-۲ قرینه دوم: مذكر آوردن ضمیرها

با اندکی دقت در آیات قرآن معلوم می‌شود که وقتی زنان پیامبر (ص) مخاطب شده‌اند، ضمایر وابسته به آن‌ها نیز مؤنث آمده‌اند:

(الف) «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا» (الأحزاب/۳۲)؛ «ای همسران پیامبر! شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید، اگر سر پروا دارید، پس، به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است، طمع ورزد و گفتاری شایسته گویند.» (فولادوند، بی‌تا: ۴۲۲)

(ب) «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (الأحزاب/۳۳)؛ «و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود

را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید. خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند» (فولادوند، بی‌تا: ۴۲۲)

(ج) «وَأَذْكُرَنَّ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا: آنچه را در خانه‌های شما از آیات خداوند و حکمت و دانش خوانده می‌شود، یاد کنید. خداوند لطیف و خبیر است» (الاحزاب/۳۴).

در مجموع، این آیات هفتگانه (۲۸ تا ۳۴ سوره احزاب) ۲۴ ضمیر وجود دارد که ۸ ضمیر آن در آیه تطهیر است و فقط دو ضمیر به صورت جمع مذکر «کم» آمده است و بقیه ضمائر مؤنث هستند. با اندک دقتی در آیه دوم می‌بینیم که یک باره ضمائر از جمع مؤنث حاضر به جمع مذکر دگرگون شده‌اند. اگر مراد از «اهل بیت» در آن، زنان پیامبر (ص) باشند، راز و رمز این عدول و تغییر ناگهانی چیست؟! ناگزیر باید گفت که مراد از آن زنان پیامبر نتواند بود. هرچند برخی از مفسران و تحلیل‌گران کوشیده‌اند این تناقض را با دلیل‌های سست و خنده‌دار از میان بردارند و گفته‌اند: ضمیر مذکر به «اهل» برمی‌گردد که به معنی «زن» است و این نظیر جمله «کیف اهلک» است که در احوال‌پرسی‌های متعارف به کار می‌رود؛ یعنی «حال خانواده‌ات (= زنت) چطور است؟» و در آیه «قَالُوا أُنْعَجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (هود/۷۳) نیز همین گونه است. (ر.ک: قرطبی، بی‌تا، ج ۱۴: ۱۸۲). با اندکی دقت سستی این دلیل نیز آشکار است زیرا در جمله «کیف اهلک» لفظ «اهل» مقدم است و ضمیر «هم» متأخر. در حالی که در آیه تطهیر و آیه مورد استشهاد نخست ضمیر آمده است و آنگاه مرجع آن. ضمناً استشهاد نیز اشکال دارد. در این آیه حضرت ابراهیم (ع) و همسرش مورد خطاب دو فرشته‌اند و آوردن ضمیر «هم» از باب تغلیب است البته ممکن است اطلاق «اهل البیت» بر ساره از باب مجاز باشد و قرینه مجاز بودن این اطلاق آن است که خطاب فرشتگان به ساره باشد و اگر منظور از ضمیر «کم» زنان پیامبر (ص) باشد، تغلیب در این باره جایگاه و معنایی نخواهد داشت. ضمناً به فرموده آیت الله جوادی آملی: «...اختلاف ضمائر «کم» در این آیه و ضمائر قبل و بعد آن (= کُنَّ، تُنَّ، نَ) نشانه اختلاف مخاطب است. ابی‌الجارود از زید بن علی (= زید شهید) نقل کرده است: «إِنَّ جُهَاًلًا مِنَ النَّاسِ يَزْعُمُونَ إِيَّاهَا أَرَادَ بِهَذِهِ الْآيَةِ أَزْوَاجَ النَّبِيِّ وَ قَدْ كَذَّبُوا وَ أَهْوَأُوا، لَوْ مَتْنِي بِهَا أَزْوَاجَ النَّبِيِّ لَقَالَ: لِيُذْهَبَ عَنكَ الرَّجْسَ وَ يُطَهَّرَكُنَّ تَطْهِيرًا وَ لَكَانَ الْكَلَامُ مُؤَنَّثًا كَمَا قَالَ: وَ أَذْكُرَنَّ فِي مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ...» (ر.ک: صفایی، ۱۳۸۶: ۶۲ به بعد).

۳-۲ قرینه سوم: اراده در آیه تطهیر تکوینی است نه تشریحی

آیه تطهیر صراحت دارد که اراده خداوند بر پاک بودن «اهل بیت» از هر گونه پلیدی و آرایش تعلق گرفته است و اینجا به قول فخر رازی نکته‌ای دقیق نهفته است و آن اینکه «...إِذْهَابِ رَجَسٍ» به ازاله ذنوب و «تطهیر» به پوشاندن خلعت کرامت اشاره دارد» (فخر رازی، ۱۹۸۵ ک، ج ۱۳: ۲۱۰)؛ یعنی خداوند درباره مخاطبان آیه لطف دوچندان فرموده است و علاوه بر زدودن هر گونه پلیدی ظاهری و باطنی از آنان، خلعت تکریم نیز بر پیکرشان پوشانده است. بی‌تردید «اراده» یاد شده در آیه، اراده تکوینی خداوند است نه اراده تشریحی زیرا اراده تشریحی خداوند سبحان به پاک بودن همه مؤمنان از آلودگی‌ها تعلق دارد و اگر منظور از «اهل بیت» زنان پیامبر باشد، باید به عصمت و پاکی آنان از هر گونه لغزش و خطایی معتقد باشیم، در حالی که احدی چنین ادعایی را درباره هیچ کدام از آنان نکرده است. در این باره، سخن علامه امینی در احتجاج با یک دانشمند سنی درباره مصداق دقیق «اهل بیت» در آیه شریفه حائز اهمیت است: «...علامه‌ای جلیل‌القدر داستانی را برایم بیان کرد که برای علامه امینی صاحب‌الغدیر پیش آمده بود. آن عالم سنی درباره آیه تطهیر از وی پرسید که درباره چه کسانی نازل شده است؟ آیا درباره زنان پیامبر (ص) فرود آمده است یا درباره کسانی دیگر؟ علامه امینی پاسخ وی را با پرسشی داد که مفاد آن چنین است: آیا به نظر شما، اگر آیه تطهیر درباره زنان پیامبر (ص) فرود آمده، آنان را اندک نصیبی از آن بود؟ آیا اُمُّ الْمُؤْمِنِينَ عایشه این امر را رها می‌کرد و آن را بر پیشانی شترش (عَسْكَر) که در جنگ جمل بر آن سوار شد و مردمان را برای جنگ بر ضد علی (ع) تشویق می‌کرد؛ نمی‌نوشت؟! آن دانشمند پاسخ مثبت داد. خدای بی‌مژده علامه امینی را و آن دانشمند منصف را پاداش نیکو دهد. چه، عایشه نیاز شدیدی به این احتجاجات داشت» (عاملی، ۱۳۷۲: ۷۸).

۴-۲ قرینه چهارم

تنوین «تطهیراً» برای تعظیم است؛ یعنی این تطهیر، تطهیری فراتر از پاکیزگی معمول و تطهیری ویژه است. در ینابیع الموده آمده است: «... تَأْكِيْدُهُ بِالْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ دَلِيْلٌ عَلَى أَنَّ طَهَارَتَهُمْ طَهَارَةٌ كَامِلَةٌ فِي أَعْلَى مَرَاتِبِ الطَّهَارَةِ»؛ یعنی «تأکید فعل با مفعول

مطلق (= تطهیراً) نشانه این است که پاکی و طهارت این بزرگواران طهارت بی‌مانند و از والاترین مراتب طهارت و پاکیزگی است» (فقدوزی، ۱۹۶۶م: ۱۰۹).

۲-۵ قرینه پنجم

آیات مربوط به زنان پیامبر (ص) از آیه ۲۸ شروع و به آیه ۳۴ پایان می‌پذیرد که زنان پیامبر (ص) یک بار با لفظ «أزواج» و دو بار با لفظ «نساء النبی» مورد خطاب قرار گرفته‌اند. عدول از این گونه تعبیر صریح به تعبیر دیگر (= اهل بیت) قرینه و دلیل است بر اینکه مخاطبان آیه تطهیر غیر از موارد پیشین هستند. در اینجا به سخن مفسر کم نظیر جهان تشیع یعنی علامه طباطبائی اشاره می‌شود که می‌فرماید: «حتی یک روایت بر نزول این آیه در ضمن آیات همسران پیامبر (ص) وارد نشده است و کسی نیز آن را ذکر نکرده، حتی کسانی که قائل به اختصاص آیه به همسران پیامبر (ص) هستند، چنان‌که به عکرمه و عروّه نسبت داده می‌شود. بنابراین، آیه تطهیر بر حسب نزول جزو آیات همسران پیامبر (ص) و متصل به آن نیست و قرار گرفتن آن بین آیات مزبور یا به فرمان پیامبر (ص) یا هنگام تألیف بعد از رحلت ایشان بود و مؤید آن این است که انسجام و اتصال آیه «وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» بر فرض برداشته شدن آیه تطهیر از بین جمله‌های آن به هم نمی‌خورد. بر این اساس، موقعیت آیه تطهیر نسبت به آیه «وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» مانند موقعیت «الْيَوْمَ يَتَسَّ الَّذِينَ كَفَرُوا» (المائده/۳) نسبت به آیه محرمات اکل از سوره المائده است» (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۶: ۳۰۹ و ۳۱۲).

۲-۶ آیه مباحله

در قرآن کریم آمده است: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ» (آل عمران/۶۱)؛ «پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده، با تو محاجّه کند، بگو بیایید، پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فراخوانیم. سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم» (فولادوند، بی‌تا: ۵۷). این آیه درباره گروهی از اُسُف‌های نجران است که پیش پیامبر (ص) آمدند و قصد مباحله داشتند و پیامبر اکرم (ص) در پی فرمان خداوند سبحان که به صراحت از او خواسته بود، «فرزندان» و «زنان» خود را به مباحله برد، فقط «خمسه طیبه» را با خود به همراه برد و نه هیچ یک از زنان خود را، و این مسأله در منابع اهل سنت نیز ذکر شده است (ر.ک: آلوسی، بی‌تا، ج ۳: ۱۸۸ به بعد). پر واضح است که نیاوردن دیگران به آوردگاه مُحاجّه و مباحله نشان می‌دهد که دیگران مصداق «اهل بیت» نیستند. گفتنی است که حضرت زهرا (ع) در ماجرای فدک نیز برای احقاق حق خویش به آیه تطهیر استشهد می‌فرماید و «اهل بیت» را از هر گونه پلیدی و آلودگی مبرا دانسته‌اند (ر.ک: مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۳۰: ۳۰۶).

۳- اهل بیت در روایات

۳-۱ روایت ام سلمه

پیامبر اکرم (ص) خود در موارد متعدد «اهل بیت» خویش را از راه‌های گوناگون معرفی فرموده است. ام سلمه یکی از زنان پیامبر (ص) می‌گوید: آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...» در خانه من نازل شد و من کنار در نشسته بودم. از رسول خدا (ص) پرسیدم: آیا من نیز از «اهل بیت» به شمار می‌آیم؟ حضرت فرمود: تو بر راه خیر و صلاح هستی. ام سلمه می‌گوید: در خانه، رسول خدا و علی و فاطمه و حسن و حسین بودند. مضمون روایت با اندک تفاوت در جزئیات، از طبری، سیوطی و ابوسعید خدری نیز روایت شده است (برای دیدن شرح دقیق ماجرا و متن روایت‌ها، ر.ک: سبحانی، ۱۴۲۰ق: ۲۲-۲۳).

۳-۲ درآمدن در زیر کساء

روایات متعدد تصریح دارند که پیامبر (ص) بارها «خمسه طیبه» را زیر عبای خود گرد آورده، سپس آیه تطهیر را تلاوت فرموده است. این روایات را طبری و سیوطی با اندکی تفاوت در مضمون در کتاب‌های خود آورده‌اند که یکی از آن‌ها به عنوان نمونه

ذکر می‌شود: «اُمّ سلمه می‌گوید: پیامبر و علی (ع) و فاطمه و حسن و حسین (ع) در خانه من بودند. برایش خربزه‌ای تهیه کردم. آن را خوردند و خوابیدند. پیامبر عبا و تن‌پوش مخصوص خود را روی آنان کشید و فرمود: «خداوند! این‌ها اهل بیت منند. از آنان ناپاکی و پلیدی را دور گردان و آنان را پاکیزه کن» (برای دیدن متن روایت‌ها، ر.ک: همان: ۲۳ تا ۲۸).

۳-۳ معرفی اهل بیت با خواندن آیه تطهیر بر در خانه آنها

در روایات متعدد آمده است که پیامبر اکرم (ص) هر روز به هنگام دمیدن صبح به در خانه حضرت فاطمه (ع) می‌رفت و آنها را به نماز فرا می‌خواند و آیه تطهیر را تلاوت می‌فرمود (سیزده روایت از این روایات در (سبحانی، ۱۴۲۰ق: ۲۸ تا ۳۳) ذکر گردیده است و منابع دیگری نیز برای مطالعه و پژوهش معرفی شده است (ر.ک: همان: ۳۴-۳۳). و برای دیدن منابع مختلف این روایات، ر.ک: بشوی، ۱۳۸۶: ۸۶ به بعد).

۴- معضل سیاق در آیه تطهیر

کسانی که «اهل بیت» را در آیه تطهیر به زنان پیامبر معرفی می‌کنند، عمده‌ترین دلیل آنان این است که صدر و ذیل آیه تطهیر درباره زنان پیامبر (ص) است و سیاق کلام اقتضاء می‌کند که این آیه نیز درباره آنان باشد و این بر خلاف هنجار سخن فصیح است که گوینده‌ای یک مطلب را درباره یک موضوع معین بگوید و یکباره از آن عدول کرده، مطلب دیگری ایراد کند و دوباره به مطلب نخستین برگردد. در پاسخ این افراد می‌توان دلایل زیر را ارائه داد.

۱-۴ بی‌تردید توجه به سیاق در بافت سخن برای رسیدن به جان کلام گوینده قرینه و نشانه‌ای ضروری است، اما این در جایی است که دلیلی قوی بر خلاف آن نباشد. در غیر این صورت، وحدت سیاق و قرینه بودن از درجه اعتبار و اعتنا ساقط است. دلیل این سخن در ادامه بحث خواهد آمد.

۲-۴ آیه تطهیر آیه‌ای است که مستقلاً نازل شده است و قرار دادن آن در میان آیاتی که مربوط به زنان پیامبر (ص) است، مصلحتی داشته که صاحب شریعت به آن آگاه بوده است که برخی از این دلایل استقلال عبارت است از:

۱-۲-۴ در روایاتی که درباره شأن نزول آیه تطهیر آمده، همه راویان هم‌داستانند که نزول آن جداگانه بوده است. نمونه آنان اُمّ سلمه، عایشه، ابوسعید خُدَری و دیگرانند، صرف نظر از اینکه مراد از «اهل بیت»، «خمس طیبه» باشد یا زنان پیامبر (ر.ک: سبحانی، ۱۴۲ق: ۴۴).

۲-۲-۴ آوردن مطلبی که مضمون آن مغایر با پیش و پس آن باشد، بر گوینده ایرادی محسوب نمی‌شود. مفسران بزرگ صریحاً این نکته را ذکر کرده‌اند که طبری و شیخ محمد عبده و مغنیه از آنانند (برای دیدن متن اظهار نظر این بزرگان، ر.ک: همان: ۴۵). نمونه این هنجارگریزی در قرآن کریم نیز آمده است. عزیز مصر خطاب به همسرش (= زلیخا) می‌گوید: «...إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ. يُوسُفُ أَعْرَضَ عَن هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ» (یوسف/۲۸ و ۲۹)؛ «بی‌شک این از نیرنگ شما [زنان] است، که نیرنگ شما [زنان] بزرگ است. ای یوسف! از این [پیشامد] روی بگردان و تو [ای زن] برای گناه خود آمرزش بخواه که تو از خطاکاران بوده‌ای» (فولادوند، بی‌تا: ۲۳۸). در این آیه «يُوسُفُ أَعْرَضَ عَن هَذَا» خطاب به حضرت یوسف (ع) است و پیش و پس آن خطاب به زلیخاست. قاعده کلی برای این نوع هنجارشکنی، انگیزه و تناسبی است که در کلام هست و چنی عدولی را برای گوینده مجاز و فراهم می‌کند.

۳-۲-۴ آیاتی که درباره زنان پیامبر نازل شده‌اند و نمونه آنها در سوره تحریم است رنگ و بوی انذار و تهدید دارند، اما آیاتی که درباره اهل بیت عصمت و طهارت هستند، لحن آنها مدح، ثنا و تکریم است. هر شخص بی‌طرف و بانصافی کافی است در دو ایه زیر تأمل کند که می‌فرماید:

الف) «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ...» (الاحزاب/۳۰): «ای همسران پیامبر! هر کس از شما مبادرت به کار زشت آشکاری کند، عذاب آن دو چندان خواهد بود...» (فولادوند، بی تا: ۴۲۱)

ب) «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...» (الاحزاب/۳۳): «و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید...» (فولادوند، بی تا: ۴۲)

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (الأحزاب/۳۳): «خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند» (فولادوند، بی تا: ۴۲).

۴-۲-۴ حذف آیه تطهیر از میان آیه ۳۳ و ۳۴ سوره احزاب هیچ خللی به نظم و مفهوم این دو آیه نمی‌رساند و این دلیلی است کافی بر اینکه آیه تطهیر هیچ پیوند معنایی با آن دو ندارد و به خاطر مصلحتی آنجا قرار یافته است.

۴-۲-۵ همه روایات به استقلال نزول آیه تطهیر صراحت دارند، حتی در یک روایت به نزول آن میان آیات النساء اشاره نشده است و کسانی که آن را درباره زنان پیامبر می‌دانند - نظیر عکرمه و عروه - چنین سخنی نگفته‌اند. در تفسیر طبری، الدر المنثور و صحاح سته از ام سلمه نقل شده که گفت: «آیه تطهیر در خانه من نازل شده است» (سیحانی، ۱۴۲ق: ۴۴) و ابوسعید خدری از پیامبر خدا (ص) نقل کرده که فرمود: «این آیه درباره من و علی و فاطمه و حسن و حسین نازل شده است» (همان) و از عایشه نیز نقل شده که روزی رسول اکرم (ص) چاشتگاه بیرون آمد و تن‌پوشی سیاه‌رنگ بر دوش افکنده بود. سپس حسن و حسین و فاطمه و علی یک‌یک پیش او آمدند و او آنان را زیر عبای خویش گرد آورده، فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ...» (همان؛ نیز، ر.ک: عاملی، ۱۳۷۲: ۱۰۲ به بعد).

نتیجه اینکه آیه شریفه به هنگام نزول جزء آیات هفتگانه مربوط به زنان پیامبر (ص) در سوره احزاب نبوده است و به امر پیامبر (ص) یا بعد از رحلت او - هنگام جمع و تألیف قرآن کریم - آن را میان آن آیات قرار داده‌اند. این مسأله در قرآن سابقه دارد و آیه غدیر نیز در سوره المائده، در میان آیاتی که از تحریم گوشت‌های حرام در آن‌ها سخن رفته است، قرار گرفته است.

۵- دلیل‌های واقع شدن آیه تطهیر در میان آیات ۳۳ و ۳۴ سوره احزاب

موضع آیه تطهیر با آیات پیش و پس آن فرق دارد و این می‌تواند از باب التفاضل یا اعتراض باشد.

۵-۱ التفات

التفات تغییر سیاق سخن، از غیبت به خطاب یا خطاب به غیبت و یا نظایر آن، است و یکی از شیوه‌های بیانی است که باعث زیبایی، شکوه و درخشندگی سخن می‌شود و فایده مهم آن برانگیختن دقت و توجه مخاطب به سخن گوینده است و ای بسا انگیزه التفات در این نکته باشد که آگاه‌ترین مردم به مبانی و معانی، اشارات و دلالت‌های قرآن، پیامبر اکرم (ص) است. گویی رسول خدا (ص) با دو جهان بین نهان بین خود آینده را مشاهده می‌فرمود که دشمنان دوست‌نمایش به رگم تأکیده‌ها و توصیه‌های فراوان او چگونه نص صریح قرآن را به نفع خود تأویل و تحریف می‌کنند.

در روایات بسیاری نیز تأکید شده که منظور از «اهل بیت» اصحاب کساء (= خمسه طیبه) هستند. این روایات را علاوه بر دانشمندان شیعه، علمای سنی نیز بر تواتر روایت کرده‌اند. یکی از دانشمندان تحقیق جامعی در این مورد کرده است و متون این روایت را - که بالغ بر چهارصد صفحه است - در کتابی با عنوان آیه‌التطهیر فی احادیث الفریقین آورده است. ضمناً راویان احادیثی که بر انحصار آیه تطهیر به اصحاب کساء دلالت می‌کند، آن قدر زیادند که هیچ تردیدی در این زمینه نمی‌توان داشت تا آنجا که در کتاب شرح إحقاق الحق بیش از هفتاد منبع معروف فقط از اهل سنت در این باره آمده است (ر.ک: مرعشی، ۱۳۳۷ق، ج ۲: ۵۰۲ و ج ۹: ۹۱ و ۹۲).

۵-۲ اعتراض

می‌توان آیه تطهیر را از جملات معترضه‌ای دانست که نمونه آن‌ها در قرآن فراوان است؛ مانند جمله «لَوْ تَعْلَمُونَ» در آیه ۷۶ سوره واقعه: «وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّوَعْلَمُونَ عَظِيمٌ»؛ و جمله «إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ» در آیه ۲۸ و ۲۹ سوره یوسف: «فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قَدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ. يُوسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ». دلیل آمدن این نیز در میان آیات مربوط به زنان پیامبر (ص) می‌تواند برای بیان فرق بزرگ و خطیری باشد که میان آنان و همسران پیامبر (ص) هست و مسلمانان گمان نکنند که زنان پیامبر در عصمت و طهارت همسنگ اهل بیت نبوت (ع) هستند و ای بسا خدای سبحان خواسته این نکته را بفهماند که اگر زنان پیامبر که با او در یک خانه ساکن هستند، کارهایی سرزنش‌انگیز کنند، مسلمانان باید حساب اهل بیت او را از آنان جدا کنند و دامان آن بزرگواران را از هر گونه پلیدی و آلودگی مبرا بدانند.

نتیجه‌گیری

با ادله عقلی و نقلی نتایج زیر ثابت شد که:

۱- آیه تطهیر صراحت دارد که «اهل بیت» از هر گونه پلیدی و پلشتی ظاهری و باطنی منزّه هستند و مراد از «بیت» در آیه تطهیر «بیت» نبوت و رسالت است نه خانه مسکونی، لذا منظور از «اهل بیت» در آیه تطهیر نیز «اصحاب کساء» هستند؛ یعنی پیامبر (ص) و علی و فاطمه و حسن و حسین (ع). این نظر همه مفسران شیعه و برخی از مفسران اهل سنت است، هرچند عده‌ای از دشمنان اهل بیت (ع) با چنگ زدن به پاره‌ای از روایات و تمسک به وحدت سیاق معنایی خواسته‌اند آن را به زنان پیامبر (ص) تفسیر کنند. این روایات مخدوش هستند و با دلیل‌های انکارناشدنی مردود شده‌اند.

۲- در قرآن کریم شواهد دیگری - جز آیه تطهیر - دیده می‌شود که این آیه جداگانه نازل شده است و پیوندی با آیات پیشین و پسین خود ندارد.

۳- آیات مربوط به زنان پیامبر (ص) لحن انذار و تهدید دارند و آیه تطهیر لحن احترام و تکریم، و هر کدان شأن نزول مستقلی دارد که در منابع تفسیری آمده است و اگر آیه تطهیر را شامل زنان پیامبر (ص) بدانیم، معنای درستی که خرد سالم آن را بپذیرد، نمی‌توان برای آیه ذکر کرد.

۴- در منابع اسلامی - اعم از شیعه و سنی - روایات متعددی از صحابه کبار پیامبر و همسران آن حضرت (ص) نقل شده که همه آن‌ها نزول آیه تطهیر را در شأن اصحاب کساء دانسته‌اند.

۵- شخصیت‌های بزرگواری درباره عصمت حضرت زهرا (ع) و معصومان دیگر به آیه تطهیر استناد کرده‌اند که مهم‌ترین آنان خود حضرت صدیقه طاهره (ع) - در موضوع فدک - است.

۶- زنان پیامبر (ص) معصوم نیستند و اراده الهی بر طهارت ذاتی و فعلی آنان تعلق نگرفته است و هیچ کدام از آنان در دامان معصوم پرورش نیافته‌اند و لازمه زوجیت آنان با پیامبر (ص) نیز تحقق شرط مذکور نیست و به صرف زوجیت نمی‌توان آنان را در مفهوم و مصداق «اهل بیت» به شمار آورد، هرچند با رسول اکرم (ص) نیز زیر یک سقف زندگی کرده باشند. ضمناً باید یقین کرد که حضرت علی (ع) نیز از «اهل بیت» است؛ زیرا او و حضرت رسول (ص) هر دو از یک نژادند و سنخیت ذاتی و وجودی و نوری واحد دارند؛ چنان‌که خود آن حضرت (ص) فرمود: «أَنَا وَ عَلِيٌّ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ» (رضانژاد، ۱۳۸۱: ۸۵۵) و روایات بسیاری دلالت دارند که معصومان دیگر (ع) نیز از «اهل بیت» به شمار می‌آیند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- آلوسی، سید محمود، (بی‌تا)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد، (۱۴۰۵ ق)، لسان العرب، قم: نشر الادب الحوزه.
- ابوالفتوح رازی، حسین، (۱۴۰۴ ق)، روح الجنان، قم.
- اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف، (۱۳۷۹ ق)، البحر المحیط فی التفسیر، لبنان - بیروت.
- بشوی، محمد یعقوب، (۱۳۸۶)، شخصیت حضرت زهراء در قرآن از منظر تفاسیر اهل سنت، قم: بوستان کتاب.
- بیات، محمد حسین، (۱۳۹۰)، «بررسی و نقد دیدگاه ابن عربی در باب خلافت و امامت»، سراج منیر، سل دوم، شماره ۵، ۶۶-۲۵.
- رازی، فخرالدین، (۱۹۸۵ م)، التفسیر الکبیر و مفاتیح الغیب، بیروت: دارالفکر.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، (۱۳۸۱ ق)، المفردات، مصر: مصطفی البابی الحلبي.
- رضانژاد (نوشین)، غلام حسین، (۱۳۸۱ ق)، لطایف و عرفان در روابط خدا و انسان، تهران: الزهراء.
- زمخشری، محمود، (بی‌تا)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالمعرفه.
- سبحانی، جعفر، (۱۴۲۰ ق)، اهل البيت؛ سماتهم و حقوقهم فی القرآن الکریم، قم: موسسه الامام الصادق (ع).
- سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۰۲ ق)، الدر المنثور، بیروت.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین، (۱۳۸۰)، نهج‌البلاغه، ترجمه فولادوند، بی‌جا.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین، (۱۴۰۵ ق)، کمال‌الدین و تمام النعمه، به کوشش علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین ق.
- صفایی، محمد، (۱۳۸۶)، تجلی ولایت در آیه تطهیر، برگرفته از آثار آیت‌الله جوادی آملی، قم: نشر اسراء.
- طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۶۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، تهران: نشر فرهنگ رجاء.
- الطبرسی، شیخ ابوعلی الفضل بن حسن، (۱۳۸۲ ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: الإسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن، (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، به کوشش احمد حبیب قزیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، علامه سید جعفر مرتضی، (۱۳۷۲)، اهل بیت در آیه تطهیر، ترجمه سپهری، قم: بوستان کتاب.
- قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد، (بی‌تا)، الجامع لأحكام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قندوزی، سلیمان، (۱۹۶۶ م)، ینابیع الموده، قم: مکتبه بصیرتی.
- الماتریدی، ابومنصور محمد، (۱۴۲۵ ق)، تأویلات اهل السنه، فاطمه یوسف الخیمی، بیروت - لبنان: الرساله الناشرین.

مجلسی، محمدباقر، (۱۹۸۳ م)، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء.

مرعشی، شهاب الدین، (۱۳۳۷ ق)، شرح و ملحقات إحقاق الحق قاضی نورالله شوشتری، قم.

مکارم شیرازی، آیت الله ناصر و همکاران، (۱۳۸۶)، تفسیر نمونه، ج ۱۷، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

منبع: نشریه سراج منیر، شماره ۹، دی ۱۳۹۱ با اندکی تصرف